

پیام‌ار نستو چه گوارا

**GUEVARA**



دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان

پیام ار نستو چه گوارا

این پیام در اواخر تابستان  
۱۹۶۶ نوشته شده است.

از پایان آخرین آتشسوزی جهانی بیست و یک سال  
میگذرد و نوشته های بسیار به زبانهای گوناگون این  
حادثه را که درهم شکسته شدن ژاپن مظهر آن است جشن  
میگیرند. در بسیاری از بخشهای اردوهای نامتساوی که  
جهان بدان تقسیم شده است، روحیه ای بظاهر خوشبینانه  
حکمران است. در این روزگار تمامهای بزرگ، تکانههای  
شدید و تغییرات ناگهانی بیست و یک سال بدون جنگ  
جهانی زمانی است بس درازا مآبی آنکه بخواهیم نتایج  
عملی این صلح را بررسی کنیم نتایجی که آمادگی مان را  
بزای مبارزه با آن اعلام داشته ایم (فقر روبه فزونی  
مداوم سلب حیثیت و استثمار از همه جهان) بایستی از  
خود بپرسیم آیا این صلح صلحی راستین است؟ در رد این  
خوشبینی بی حساب کافی است نمونه های جنگ کره و جنگ  
ویتنام را یادآور شویم.  
وانگهی شواهد بیشمار وجود دارد که صلح، این صلح مشکوک

که بعلت اینکه آتش سوزی جهانی تازه ای رخ نداده است  
چنین نامی برای آن قائل میشوند، بدست آمریکائیان -  
شمالی از طریق يك حرکت بی بازگشت و تحمل نا پذیر شکسته  
شود و ما استثمارشدگان جهان نقش ما در این گیرودار چیست  
خلق سه قاره چشم براه حوادثند و از ویتنام درسها می  
آموزند بعلت اینکه امپریالیستها با تهدید بجزگ آهنگ  
ارباب بشریت را دارند، درست ترین پاسخ نهراسیدن از  
جزگ است، سرسخت و مداوم در تمام نقاط تصادم جهان نست  
به حمله زدن، این است تاکتیک عمومی خلقهای ستمدیده  
جهان .

اما از آنجا که این صلح نکبت بار که گریبانگیر ماست  
درهم نشکسته است ما چه وظیفه ای داریم؟  
وظیفه مادررهایی خویش است، بهر قیمت که شده، صحنه  
جهانی سخت رنگارنگ است، حتی برخی از کشورهای اروپای  
کهن نیز در انتظار آزادی بسر میبرند و در آنجا نیز در سال  
های آینده، تضادهای سرشتی انفجاری خواهند یافت . اما  
مسائل آنها و ناگزیر راه حلها، ایشان نیز با مسائل ما که در  
شمار کشورهای نامستقل و از حیث اقتصادی عقب مانده ایم  
تفاوت دارد، میدان اصلی استثمار را امپریالیستی سه قاره  
کم رشد آمریکا، آسیا و آفریقا است، هر سرزمینی نشانه های

ویژه خویش را داردا ما عقب ماندگی واستثما را این هر سه قاره را در کلیت خودشامل میشود.

آمریکا واحدی است کم و بیش همگن و تقریباً سراسر آن به قبضه مطلق کاپیتالیستهای انحصارطلب امریکای شمالی است " حکومتها عروسکهای خیمه شب بازی ای بیش نیستند یا دست پر نا توانند و ترسو و در برابر احکام اربابان یا نکی تاب مقاومت ندارند سلطه امریکائیان شمالی با آخرین حد توسعه یافته و بیش از آن دیگر جز بجزیی اندک نتوانند رسید" هر تغییری در وضع فقط بر سیادت آنان لطمه خواهد زد هدف سیاست آنان در نگهداری آنچه که بدست آمده است میباشد و در این رهگنر بر آنند تا هر جنبش نجات بخشی را بهر شکلی که رونماید با خشونت سیعبانه سرکوب سازند"

در آمریکا لاتین، در گواتمالا، کلمبیا، ونزوئلا و بولیوی دست به نبرد مسلحانه زده شده است و در برزیل نخستین شکوفهها میشکند کانونهای دیگر مقاومت تشکیل میشود و دوباره روبه انحلال مینهد اما تقریباً همه کشورهای این قاره برای نبرد پخته شده اند "نبردی که فقط در صورتی به پیروزی میانجا مد که هدفی کوچکتر از برقراری یک حکومت با برشهای سوسیالیستی برای خویش برنگزینند"

با ایداز خویش بپرسیم این قیام چگونه گسترش خواهد

یافت؟ چه شکل و شمایل بی بخوبی خواهد گرفت؟ ما مدت‌هاست که برای این عقیده‌ایم که نبرد در آمریکا بعلت شباهت مناسباتی که در همه جای آن وجود دارد، در یک زمان مشخص جنبه قاره‌ای بخود خواهد گرفت. این قاره صحنه مصاف‌های بزرگی خواهد شد که در آن سرنوشت آزادی بشریت تعیین می‌گردد.

در چهارچوب این نبرد قاره‌ای نمونه‌های فداکاری‌ای که می‌بینیم فقط حوادث گذرانی است، اما در متن همین حوادث شهادتی پیدا شده اند که نامشان در تاریخ آمریکا ثبت خواهد شد چرا که در این آخرین مرحله نبرد در راه آزادی کامل انسان جان باخته اند.

آری تجهیز خود بخودی خلق موجب پیدایش رهبران تازه‌ای خواهد شد. جوانه‌های تازه جنگ در این یا آن سرزمین آمریکا، مانند بولیوی خواهد روئید و این رویش ادامه خواهد داشت. با وجود همه تناوب‌هایی که خطر شغل انقلابی نوپدید همراه خواهد داشت بسیاری کسان بعنوان قربانیان اشتباهات خویش جان‌شان را از دست خواهند داد و دیگران در نبردهای سخت آینده جان خواهند باخت. رزمندگان نو و رهبران نوازمیان آتش مصاف انقلابی بر خواهند خواست. ملت درگیر و در جنگ رهبران و رزمندگان خویش را خود

برخواهد گزیده، اما بر تعداد جاسوسان یانکی نیز افزوده خواهد شد» امروز در همه کشورهای که در آنها نبرد مسلحانه ادامه دارد، مستشارانی وجود دارند و چنین مینماید که ارتش پرو که مستشاران امریکائی آن را - سازمان داده اند، انقلا بیهای این سرزمین را نابود کرده است اما اگر کانونهای جنگ با مهارت سیاسی و نظامی تعیین شود دیگر عملاً از خطر نیستی مصون خواهد بود و گسیل یانکی های تازه نفس بیشتر ناگزیر خواهد شد»

در خود پرو نیز مردانی مصمم و پایدار هستند که آهنگ آن دارند جنگ پارتیزانی را از نو سازمان دهند رفته رفته سلاحهای کهنه که برای مقابله با گروههای کوچک پارتیزانی کفاف میداد و گروههای مستشاران بسلاحهای مدرن و جنگجویان امریکائی مبدل خواهند شد نیروهای جنگنده را بطور منظم و در حال تزايد بکانونهای جنگ گسیل دارند، تا بتوانند ثبات نسبی حکومتی را تضمین کنند که شیرازه ارتش ملی خیمه شب بازی آن در نبرد با پار - تیزانها از هم گسیخته است، این راه ویتنام است که ملتها باید در نوردند این راهی است که امریکا آن را خواهد پیمود، با این امتیاز که در اینجا امکان هماهنگ کردن فعالیت گروههای پارتیزانی وجود دارد مسعله ای

که کار را بر امپریالیسم یا نکی نشوار و برزمنندگان راه -  
استقلال آسان خواهد کرد

از امریکا این قاره ای که نامش در آخرین نبردهای  
استقلال سیاسی داشت روبه فراموشی میرفت، اینک  
گلایه های نبرد بگوش میرسد "بدوش او وظیفه ای بس گران  
نهاده شده: به وجود آوردن ویتنام دوم و سوم جهان .  
سرانجام باید در نظر داشت که امپریالیسم، بعنوان  
آخرین مرحله کاپیتالیسم، یک نظام جهانی است که باید  
در یک مصاف جهانی سرکوبش کرد" هدف استراتژیک این نبرد  
بایدنا بودی امپریالیسم باشد، وظیفه ای که در این نبرد  
جهانی به ما ملل استثمار شده و عقب مانده جهان واگذار  
شده این است که مجرای تغذیه امپریالیسم را بربایندیم  
یعنی درهای سرزمین هایمان را "اواز سرزمین های ما  
سرمایه، مواد خام، تکنیسین های ارزان و نیروهای کار کم  
بهارا میمکد و بر همه اینها - بعنوان وسیله قدرت - سرمایه  
ای از نوع سلاحها و فرآورده های آماده بمصرف میافزاید تا  
ما را بدام وابستگی کامل بخود بکشاند .

مسئله اصلی در متن این هدفگیری استراتژیک رهائی  
راستین ملتهاست، رهائی ای که در اغلب موارد از طریق -  
قیام مسلحانه امکان پذیر است و در آمریکا ناگزیر یک شکل



انقلاب سوسیالیستی بخود خواهد گرفت -

مطلقاً درست است که از هدر دادن نیروها پرهیز  
باید کرد" از این رومهم این است که امکانات عملی را  
دریابیم تا ببینیم برای امریکارهایی از وابستگی با  
وسائل مسالمت آمیز تا چه حد امکان پذیر است، پاسخ بدین  
سؤال برای ما روشن است؛ در حال حاضر شرایط آغاز  
نبرد برای ما سازگار با ناسازگار باشد، ما نباید دچار این  
توهم شویم - و حق چنین کاری را نیز نداریم - بسودن  
نبرد با آزادی نست یا بیم" و این نبردها مصاف‌های خیابانی  
که در برابر گزاشك آورسنگ پرتاب کنیم یا بیک اعتصاب  
عمومی آرام نست بزنیم نخواهد بود" و نیز این نبرد مردمی  
خشمگین نخواهد بود که در طی دو یا سه روز دستگاه سیادت  
يك الیگاشی مسلط را واژگون سازد" بل این نبرد  
خواهد بود در آهنگ و خونین که جبهه‌های آن از پنهنگاهها  
پارتیزانها تا درون شهرها و حتی خانه‌های مبارزان -  
ادامه خواهد داشت، و در این نبرد دشمن قربانیان خویش  
را در میان اعضا خانواده‌های ما خواهد جست " روستا  
نشینان از دم تیغوی خواهند گنشت و روستاها و شهرها  
زیر آتش بمباران وی با خاک یکسان خواهند شد.  
این نبرد بما تحمیل شده است بنا بر این چاره‌ای جز

این نداریم که خویشتن را برای آن آماده کنیم و آنرا -  
بپذیریم .

آغاز کار نه آسان بل سخت دشوار خواهد بود. همه قدرت  
اختناق همه سببیت و عوام فریبی دستگاه الیگارشی  
تجهیز خواهد شد. پس نخستین مسأله برای ما ازبوتہ این  
آزمایش پیروزی برون آمدن است سپس باید به نبرد پدیدگیر  
و مداوم پارتیزانی و سخن گفتن مسلح به معنای ویتنامی  
آن دست زد یعنی سخن گفتن گلوله ها، مضافها، مصافهایی  
که به پیروزی یا شکست خواهد انجامید، ما در هر حال  
بدشمن ضربه ای وارد خواهد ساخت آنگاه راز بزرگ شکست  
ناپذیری پارتیزانها بر توده های فقیر عیان خواهد شد،  
سرانجام نوبت به پدید ساختن آگاهی ملی، تدارک برای  
اجرای وظایف هنوز دشوار تر و مقامت در برابر اختناق های  
شدید تر خواهد رسید اینجاست که کینه بعنوان عامل نبرد  
کینه عمیق بدشمن که از سرحداتی عادی وجود انسان فراتر  
رود و او را بیک دستگاه خودکار رگشتر دشمن تبدیل کند بیدار  
خواهد شد، سربازان ما باید چنین باشند، ملتی که کینه  
ندارد قادر نیست بر دشمنی خشن و زورگو غلبه کند.

باید جبهه جنگ را بهمان جا کشاند که دشمن میکشاند  
به خانه های او با استراحتگاههای او - جنگ را باید بصورت

جنگی همگانی در آورد» نباید دشمن را يك دم آسوده گذاشت  
نبايد گذاشت خارج از سر با ز خانه هايش خستگى از تن بدر کنند  
و در داخل سر با ز خانه ها هم نبايد بوى هرجا که با او روبرو  
میشویم حمله آوریم باید بر سر همه راههای او کمین کنیم  
و بروی ضربه وارد آوریم».

اینجاست که دشمن شروع میکند از لحاظ اخلاقی سقوط  
کردن درست است که او به عملیات ددمنشانه تردد دست  
خواهد زد، اما آثار بیژمردگی رفته رفته نمودار میگردد.  
از این گذشته با يدك انترناسیونالیسم اصیل پرولتری  
بوجود آید با ارتشهای جهانی پرولتری که هدفش مبارزه در  
راه رهایی مقدس بشریت باشد بداند انسان که مرگ در زیر درفش  
ویتنام، ونزوئلا، گواتمالا، لائوس، گینه، کلمبیا، بولیوی یا  
برزیل - برای اینکه فقط به کانونهای فعلی نباشد اشاره  
کرده باشیم - برای يك امریکائی، يك آسیائی، يك  
آفریقائی و حتی برای يك اروپائی توأم با شرافت و افتخار  
باشد.

در جهان بیکار ما همه اختلاف آراء در باره مسائل  
تاکتیکی، در باره بهترین راه رسیدن به هدفهای محدود  
باید بر اساس احترام به عقیده طرف مقابل بررسی شود ما  
آنجا که مسئله بر سر هدف بزرگ استراتژیک یعنی نیستی

یکسره امپریالیسم از طریق نبرد است باید کاملاً سختگیر بود" ماهمه آنچه را که میخواهیم از طریق پیروزی خویش بدان تحقق بخشیم اینطور خلاصه میکنیم ناسبودی امپریالیسم از طریق درهم شکستن نیرومندترین دشمنان یعنی سیادت امپریالیستی ممالک متحد آمریکا، تاکتیک دررهای قدم بقدم ملتها بطور واحدیا گروهی است، و در این کار باید دشمن را در سرزمینهای دور دست خارج از مرزهایش به نبرد کشانید" بدین طریق مجرای تغذیه اش، یعنی سرزمینهای تحت انقیادش از وی گرفته میشود.

این یعنی يك جنگ دراز آهنگ و يك بار دیگر تا کیمد میکنیم - يك جنگ توام با قساوت. خود فریبی در اینکار روانیست، وقتی که این نبرد آغاز شده، هیچکس نباید از - بیم عواقبی که از آن برای ملتی ببار خواهد آمد دچار نوسان گردد. این تنها امید پیروزی است.

مانمیتوانیم از این وظیفه روزگار کنونی شانه خالی کنیم. این را ویتنام با قهرمانیهای خستگی ناپذیرش، با نبرد روزانه و اندوه بارش و با جان فدا کردنش برای پیروزی نهائی بمامی آموزد.

چه نزدیک خواهد بود آن آینده روشن اگر دوسه سال چند ویتنام دیگر در پهنه جهان پدید آید، که بی شك کشتگان

بسیار ورنج های بیشمار همراه خواهد داشت . اما شاهد  
قهرمانیها ضربه های مدام به امپریالیسم و تجزیه قوای  
دشمن و بالا گرفتن موج کینه مردم جهان بسوی خواهد  
بود .

و اگر میتوانستیم قوای خویش را گرد هم آوریم تا -  
ضربات خود را محکمتر و دقیقتر فرود آوریم و همه یکدیگر  
را بهتر و سریعتریاری دهیم چه پرشکوه تر و نزدیکتر  
میشد آینده ای که تلاش در راه آنیم .

اگر برای ما که در گوشه ای از جهان وظیفه شرافتمندانه  
خویش را انجام میدهیم و با جانبازیها ، قربانیها سهم  
خویش را در این راه ادا میکنیم ، و اسپین دم فرار سدویک  
و جبخاک را با خون خویش آبیاری کردیم ، آیندگان خواهند  
دانست که ما به میدان برد عمل خویش آگاه بوده ایم  
و خویش را جز سربازان ارتش بزرگ پرولتاریا نمیدانستیم  
اما بخود میبالیدیم که از انقلاب کوبا و رهبر بزرگش  
که به این سرزمین الهام ها بخشیده است درسها  
آموخته ایم .

عمل ما فراخواندن بجنگ گروهی علیه امپریالیسم  
است ، پیامی برای اتحاد ملل علیه دشمن بزرگ نسل  
بشر: یعنی امپریالیسم امریکا . اگر مرگ است گودررسد

اگر شعار ما برای پیکار گوشه‌های شنوائی یافته دست  
دیگری برای گرفتن سلاحهای ما از آستین درآید و اگر  
انسانهای دیگر برای سردادن غریب و نبردنا و طلب شده‌اند  
تا نغمه درخور و داعی ما را برایمان بخوانند:  
گو مرگ در رسد.

چه گوارا  
تا بهستان ۱۹۶۶

---

شماره ثبت ۴۳۵۷  
۱۳۵۷/۷/۱۷

قیمت ۱۵ ریال

دیجیتال کننده کتاب : **نینا پویان**